



به پیشواز شصتمین بهار زنده گی راوش .

ل. کریمی استالی .

جناب « نظامی » عزیز ! .

فراخوانی شما ، از بزرگداشت شصمین دهه زندگی پُر بار و رسالتند آقای سلیمان « راوش » کاریست نیک و بس پسندیده . آری ... شایسته آنست که ، در زمان حیات این نخبگان علم و ادب تجلیل بعمل آید .

همواره این احساس کمبودی بمن دست می دهد که ، چرا در میان جمعی از محققین کشور مان ، کمترین کسی را سراغ نداریم ، تا با تحقیق ، تفکر ، چاره اندیشی برای فردا های روشن و امید بخش ، قلمی بردارند و مجموعه ای از مسائل تاریخی نا پذیرفتنی و غیر عقلانی را به مقوله های علمی مقوم و مروارید های روشن را ، از سنگریزه های سیاه جدا نمایند .

آنگاهیکه به خرافات ، سنتهای بی پایه و تخیلات واهی رائج شده ، در کشورم می اندیشم ، دردمندانه بخود می گویم : ای وای بر دانشمندان روشنفکر محافظه کار و مصلحت اندیش ، افسون شده و تماشای ، که حقایق و واقعیتها را فدای مصلحت کرده و یکبار هم نشده ، با قلم هائیکه غلاف کرده اند ، شمشیر گونه ، لکه های سیاه را از جبین صاف انسانیت بزدایند و شجاعت استعمال آنرا ، در مقابل خرد ستیزان پیدا کنند .

حضور نویسنده توانا و جنجال برانگیز ، ژرف نگر و خرد گرای آقای سلیمان « راوش » در جامعه روشنفکری ، بسیاری از مسائل سر بسته ، فریب ها و پرده پوشی ها را درید . از آنجائیکه جوامع سنت گرا ، افرادی را که ، از خرد و دانش شان برای آزادی انسان از قید موهومات ، تحمل کرده نمی تواند ، بسیاری از خرد ستیزان ، تاب و تحمل او را نیز نتوانستند ، چنانکه او هم تحمل خیلی از خرد گریزان را نکرد و با مسوولیت پذیری روشنفکرانه ، دست به تحلیل و بررسی حقایق عمیق تاریخی و اجتماعی یازید و مورد پذیرش نسل پر شوری از دگراندیشان قرار گرفت و براهش ادامه داد .

بقول مشیری :

می توان رشته این چنگ گسست

می توان کاسه آن تار شکست

می توان فرمان داد

های

ای طبل گران ،

زین پس خاموش بمان
به چکاوک اما
نتوان گفت مخوان .

راوش را ، تهدید ، سرزنش ، تطمیع ، حتا دشنام نتوانست ، به تمکین و تسلیم وادارد ، از مسیر حقیقت گویی منصرف نشد و با چراغی بدست « از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست « در خم و پیچ جاده های هولناک ، با اهریمنان در جنگ و ستیز است .
باید اعتراف کرد ، که تحلیل و بررسی در نبشته های وی ، در بضاعت این قلم نیست . آنچه میتوانم بگویم ، اینست که : در مقابل قوانین طبیعی و اصل غیر قابل تردید تکامل ، بلاخره فکر و اندیشه خرد گرایانه این پژوهشگر عزیز ، که اعماق مسائل را دقیقانه و موشگافانه کاویده ، پیروز شدنیست . بی شک حضور وی چراغ راهی به نسلهای آینده ما ، که خواهان چگونه زیستن و چگونه آموختن اند ، می باشد .
در خاتمه شتصمیم بهار زنده گی پُر بار آقای « راوش » را ، با طول عمر باسعادت ، تبریک و تهنیت عرض کرده ، موفقیتهای مزیدی را برایش آرزومندم . بالاحترام

www.nuroddin.de